



۰۳ جنوری، ۲۰۲۵

داکنر زمان ستانیزی

تاجران دین؛ آنانی که نیم قرآن را قبول دارند!

سهم گیری مسلمان در رونق تمدن جهانی دیروز، معرفی اصطلاحات علمی همانند جبر، کیمیا، تعرفه، دُب اکبر، صفر و ... بود؛ اما در نیم قرن اخیر، مسلمانان با معرفی سه مفهوم «جهاد»، «الله اکبر» و «حجاب» به تمدن جهانی همچنان در صفر باقی ماندند.

در فضای سیاسی متشنج دنیای غرب، حجاب بیشتر نشانه هویت فرهنگی، اعتراض سیاسی و یا تظاهر ایدئولوژیک است، تا علامت مکلفیت دینی و تقوا.

نسرین ستوده، وکیل مدافع که از حق و اختیار زنان در پوشیدن حجاب از آن‌ها در محاکم ایران امروزی دفاع می‌کرد اخیراً به ۳۸ سال حبس و ۱۴۸ شلاق از طرف جمهوری فوق اسلامی ایران کنونی محکوم شده است؛ احتمالاً مجیب‌الرحمن انصاری نیز خواستار انفاذ چنین قانونی در افغانستان است؛ قانونی که انفاذش به حکم تعبیر او باشد و تحمیل آن نیز با تفنگ!

استدلال او بر اساس ذهنیت «ناقص‌العقلی» زن و تعبیر مردسالارانه‌ی بی‌اساس از قرآن است که «زن» ملکیت مرد شناخته می‌شود. او برای دفاع از این ادعایش بر آیه ۳۴ سوره نسا استناد کرده است. اکنون نظری تحلیلی به این آیه و قرینه قرآنی و سیاق زمانی (شان نزول) آن می‌اندازیم.

در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» او با نگاه زن‌ستیزانه «قَوَّامُونَ» را حاکمیت مرد بر زن تعبیر می‌کند؛ اما این ترجمه و تعبیر آن به دلایل زیر با روح و کلام قرآن در تضاد است:

۱- به ترجمه کامل آیه توجه فرمایید: «برای این که بعضی را در پرداخت هزینه (مخارج مالی) توانمندی بیشتر داده ایم، مردان از زنان مراقبت کنند.»

فهم علت و معلول در عبارات بعدی «أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» یعنی نفقه و اموال می رساند که کلمه «قَوَامُونَ» از مسوولیت و مکلفیت مالی و اقتصادی سخن به میان می آورد نه از حاکمیت و برتری عقلانی.

استنباط این تعبیر نبوغ خارق العاده و استعداد خاص علم تفسیر و لغت شناسی نمی خواهد؛ مگر آن که کسی عمداً بخواهد برای حمایت برداشت ذهنی خود از آیات قرآن بهره برداری کند و عده بی نیز چنین می کنند. نصف اول آیه را که با سوء تعبیر مردسالارانه آنان سازگار باشد می خوانند، ولی توضیح متن قسمت دوم را هرگز نمی خوانند.

۲ - اگر بپذیریم مسوولیت حفظ عفت زنان بردوش مردان است، پس چرا قرآن به صراحت بی نظیر و نهایت مشرح در آیه ۳۵ سوره احزاب خلاف آن امر کرده است و حفظ عفت مردان را به مردان و زنان را به زنان، مساوی و جداگانه تفویض کرده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّانِمِينَ وَالصَّانِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب ۳۵) «برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باایمان و زنان باایمان و مردان مطیع خداوند و زنان مطیع خداوند و مردان صادق و زنان صادق و مردان صبور و زنان صبور و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان زکات دهنده و زنان زکات دهنده و مردان روزه گیر و زنان روزه گیر که عفت خود را حفظ و خدا را بسیار یاد می کنند، خداوند برای آن ها آمرزش و پاداش بزرگ آماده کرده است.»

در اسلام، ایمان، اطاعت، صداقت، صبر، فروتنی، ادای زکات و روزه که شامل اعتقادات، اخلاقیات و اعمال نیک می شود، مکلفیت مرد و زن تنها در برابر خداوند است، نه در برابر یکدیگر. در این امر قرآن هیچ جای شک و شبهه بی نمی ماند که زن در اسلام مسوول رعایت امور اخلاقی خود است نه زیر مکلفیت مرد. اگر مکلفیت شریک شود از آن بوی شرک می آید؛ زیرا زن باید هم بنده مرد باشد و هم بنده خداوند.

۳- اگر فرض محال همین ترجمه ناقص آنان را معیار بدانیم و کلمه «قَوَامُونَ» را مکلفیت زنان در برابر مردان بپذیریم، اصل تساوی مکلفیت در قرآن که بیش از هفت بار با تاکید نازل شده است، نقض می شود: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (از جمله چند سوره دیگر سوره الانعام آیه ۱۶۴) «هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی دارد.»

آیا در جامعه (اسلامی) افغانستان حجاب نشانه دیانت و تقوی است یا نماد اختناق و تحمیل ذهنیت مردسالاری بر زن؟ در سطح شخصی پاسخ این پرسش نزد خود شخص معتبر است، ولی در سطح اجتماع می توانیم برداشت های گوناگونی از آن داشته باشیم. اینجا به ابعاد تاریخی و اعتقادی آن می پردازیم.

صفحات تاریخ از زن ستیزی دوره جاهلیت حکایات بی شمار دارد. مرد و زن عرب به علت اقلیم گرم، لباس نسبتاً باز می پوشیدند؛ ولی مرد های بد اخلاق باعث آزار و اذیت زن ها می شدند - خصوصاً زن های بدون محرم و کنیزها که شامل مهاجران بی بضاعت مکی در مدینه می شد - بیشتر دستخوش این نا امنی ها واقع می شدند.

«حجاب» در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است؛ پوششی که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. این معنی آن با امر قرآن که مطلب از آن، حجاب و پوشش در نگاه است که مردان و زنان در مواجهه با نامحرمان به آن توصیه شده اند؛ حجاب می تواند ذهنی، فکری یا روحی باشد.

کلمه دیگری که قرآن درباره آن به کار برده کلمه «جلا بيب» است. زن های عرب دو نوع پارچه را برای دفع گرما و فروریختن ریگ در زیر لباس های گشاده بر سر می کردند یکی را «مقنعه» می گفتند که به عمامه مردان شباهت داشت، دیگری را جلابیب می گفتند که بزرگ تر بود. «جلباب» دری/ پارسی و «خُل» در پشتو از مشتقات عاریتی آن است.

حکم وجوب حجاب در سال ششم هجرت تشریح شد؛ زمانی که منافقان و اراذل درصد برآمدند با ایجاد شایعه درباره زنان رسول اکرم (ص) و با درست کردن مزاحمت ها به زنان آزاده به بهانه کنیزانگاشتن آن ها، به حریم پیام آور اسلام و مسلمانان دیگر، سوء قصد کنند.

از قرینه قرآن چنین استنباط می شود که در این گونه شرایط، نزول سه آیه مورد دارد. اول آیه ۳۰ سوره نور امر صریح است برای حجاب چشم مرد ها: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغْضُؤْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» «به مردهای مؤمن بگویند که چشم خود را پایین بیندازند.» بعد از آن آیه ۳۱ سوره نور حجاب چشم را بر زنان نیز تجویز می کند: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» و سوم نزول آیه ۵۹ سوره احزاب است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا...» «ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که (در محضر عام) جلباب های خود را روی لباس های خود بپوشند...»

بعضی از این آیات در کل و بخش‌های دیگر چون در شرایط خاص نازل شده اند و اسباب نزول آن‌ها موجود نیست، حکم آن‌ها هم مطرح نیست. از نگاه اصول فقه چنین آیاتی منتفی به انتفاء موضوع پنداشته می‌شوند؛ مثلاً آیاتی که احکام آن‌ها به خانواده پیام‌آور اسلام مربوط می‌شود، یا وجود کنیزها و یا شرایط اقلیمی مثل محل رهايش آن عصر که به جای «در چوبی» از پرده (حجاب) استفاده می‌کردند.

در قرآن کلمه حجاب شش بار آمده است و هر شش بار به معنای «پرده دروازه» و حایل به کار رفته است و هرگز به معنای لباس زن استعمال نشده است. با معنی درست حجاب، آیاتی که حکم آن‌ها پابرجا است همانا آیات حجاب چشم اند که برای مردان و زنان بدون تفاوت و امتیاز نازل شده‌اند و مرد و زن در حفظ حجاب چشم مکلفیت مساوی دارند.

آنچه را قرآن حجاب نامیده، رعایت آن مکلفیت مرد و زن است؛ اما مسلمانان کنونی بخشی از قرآن که مردها را به مسوولیت‌شان مکلف می‌کند هرگز به زبان نمی‌آورند؛ ولی به بخشی که متوجه مکلفیت زن‌ها است رسم و رسمیت جهانی بخشیده‌اند. مردها تنها بخشی از احکام قرآنی را رعایت می‌کنند که محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و مکلفیت‌ها را برای زنان وضع کرده است. این کار به اصطلاح همان گلچینی از امر و نهی قرآن است که تاجران دین که «کور خود و بینای دیگران» هستند پشت سرهم آن را تبلیغ می‌کنند.

روند تحریم بر زن‌ها و معافیت از مرد‌ها به این ادعا قوت می‌بخشد که گویا قرآن تنها برای مردها نازل شده است؛ چون قرآن صرف آیات و عباراتی را تبلیغ می‌کنند که از تحریم زن‌ها در شرایط ۱۴۰۰ سال قبل حکایت می‌کند، حتی برای رفع کمبود تعزیرات از تورات و انجیل خارجی می‌کنند و هر امری که بر آزادی‌های طبیعی و مدنی زن‌ها ۳۰۰۰ سال قبل وضع شده بود و خود یهودان آن را امروز ترک کرده‌اند، در خُم «شریعت» رنگ اسلامی می‌دهند.

جهان مردسالاری از حربه‌هایی که از هر دین، مذهب کتاب آسمانی و غیرآسمانی، رسم و رواج، عرف و فرهنگ می‌یابد، آن را برای استثمار زنان به کار می‌برد؛ مثلاً حکم سنگسار را که کاملاً با روح و کلام قرآن در تضاد است از تورات و انجیل اقتباس می‌کند؛ بنابراین کتاب آسمانی آنان (مردسالاران) دو نیم دارد؛ نیم اول تحریم‌های قرآن بر زنان و نیم دیگر تعزیرات تورات بر آنان است؛ جلد کامل زن ستیزی!

بدتر آن که زن بدبخت به جرم زنا سنگسار می‌شود؛ ولی هیچ مردی به جرم ارتکاب زنا سنگسار نمی‌شود. مرد اگر گرفتار هم شود، برایش پاداش داده می‌شود و به عقد نکاح زنی مجبور می‌شود

که بر حیثیت، کرامت و عفت وی تجاوز کرده است و حال باید تا آخر عمر زیر مشقت مرتکب جرمش زندگی کند تا نام و آبروی مردان دو خانواده حفظ شود.
حسن ختام مصراعی است از غزل حضرت حافظ (قرآن به هفت روایت) که در آن استعاره حجاب به معنی قرآنی پرده و حایل به کار رفته است:

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز